



فهرست مطالب

- ۲..... جمع‌بندی آیات مرتبط با تکالیف تعلیمی خانواده
- ۲..... وجود تکلیف برای خانواده به‌عنوان خاص در تعلیم فرزندان
- ۲..... تقسیمات مختلف در تکلیف خانواده
- ۳..... شمول نقش تعلیمی و تربیتی خانواده نسبت به واجبات نظامیه
- ۳..... قابلیت واگذاری این تکالیف به غیر
- ۳..... کفایی و توسلی بودن این تکالیف
- ۳..... عدم اختصاص این تکلیف به پدر و مادر
- ۴..... بررسی دیگر ادله در محل بحث
- ۴..... اولویت ادله حضانت و نفقه
- ۵..... اشکال: عدم ثبوت اولویت و تنقیح مناط
- ۶..... شمول مفهوم حضانت نسبت به مسائل آموزشی



بسم الله الرحمن الرحيم

جمع‌بندی آیات مرتبط با تکالیف تعلیمی خانواده

آیات مرتبط با بحث تکالیف خانواده در تعلیم و آموزش فرزندان در چند جلسه قبل بررسی شد که به جمع‌بندی آن مباحث می‌پردازیم.

وجود تکلیف برای خانواده به‌عنوان خاص در تعلیم فرزندان

در جمع‌بندی کلی و فی‌الجمله آیات و روایات تأدیب باید گفت که خانواده در تعلیم و آموزش فرزندان به‌عنوان خاص و مؤکد دارای تکلیف می‌باشد. این تکلیف برای حکومت و آحاد جامعه نیز در تعلیم و آموزش کودکان نیز مورد تأکید می‌باشد. البته در اینکه نقش محوری این تکلیف بر عهده خانواده است یا دولت و حکومت به نظر ما آنچه از گزاره‌های فقهی استخراج می‌شود این است که حکومت، خانواده و جامعه به‌طور ترکیبی دارای محوریت می‌باشند و هم حکومت و هم جامعه یعنی عامه مردم به‌عنوان عمومی و هم خانواده در آموزش و تعلیم دارای تکلیف می‌باشند البته نقش خانواده به‌طور ویژه مورد تأکید می‌باشد. جدای از آیاتی که مطرح شد ادله دیگری هم وجود دارند که مطرح خواهند شد.

تقسیمات مختلف در تکلیف خانواده

نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که تکلیفی که برای خانواده ذکر شد دارای تقسیماتی می‌باشد از جمله اینکه برخی تکالیف ایجابی است و برخی دیگر استحبابی و ندبی می‌باشد که حدود آن را قبلاً ذکر کردیم. از جهتی دیگر گاهی این تکالیف روش‌های وقایع و پیشگیرانه می‌باشد و گاهی نیز روش‌های اصلاحی و درمانی می‌باشد و از جهتی دیگر نیز گاهی این تکالیف سلبی می‌باشد و گاهی نیز ایجابی است. در این تکالیف تقسیمات دیگری نیز می‌توان انجام داد اما آنچه در اینجا مورد تأکید است این است که نقش و تکلیف تربیتی خانواده گاهی ایجابی و گاهی ندبی می‌باشد که هرکدام نیز تقسیمات فراوان دارد.



شمول نقش تعلیمی و تربیتی خانواده نسبت به واجبات نظامیه

نکته سوم و مهمی که در جمع‌بندی آیات بررسی شده مرتبط با تکالیف تعلیمی و تربیتی خانواده وجود دارد این است که این نقش و تکلیف خانواده اختصاص به واجبات، محرمات و مستحبات اولیه ندارد بلکه شامل واجبات نظامیه و آنچه مایه قوام زندگی فعلی و آینده یک فرد است، نیز می‌شود.

قابلیت واگذاری این تکالیف به غیر

نکته دیگری که وجود دارد این است این نقش و این تکالیف را هم می‌توان به‌طور مستقیم ایفا کرد و هم می‌توان آن‌ها را به‌طور غیرمستقیم ایفا کرد یعنی آن‌ها را به غیر واگذار کرد و این‌گونه نیست که الزاماً باید به‌طور مستقیم انجام شود و غیرقابل واگذاری به غیر باشد گرچه روابط عاطفی و ایفا به‌طور مستقیم مورد تأکید می‌باشد اما می‌توان آموزش را به دیگری واگذار کرد.

کفایی و توسلی بودن این تکالیف

نکته دیگر از نکاتی که در جمع‌بندی آیات وجود دارد این است که نقش و تکلیف خانواده چه مستحب و چه واجب، دارای دو ویژگی می‌باشد یکی اینکه کفایی و توسلی می‌باشد و دیگر اینکه با فعل غیر ساقط می‌شود. کفایی بودن این تکلیف بدین معنا است که اگر مادر آن تکلیف را انجام دارد از پدر ساقط می‌شود و یا اینکه اگر شخص دیگری که حتی وظیفه‌ای در آن مورد نداشته آن نقش را ایفا کرد، آن تکلیف ساقط می‌شود. علت اینکه اسقاط تکلیف به‌واسطه انجام دیگری را از ویژگی کفایی بودن جدا مطرح کردیم با اینکه تکلیف کفایی نیز با فعل غیر ساقط می‌شود این است که در کفایی تکلیف با فعل شخص دیگری که مکلف به تکلیف است، ساقط می‌شود اما تکلیف محل بحث با فعل شخصی که وظیفه و تکلیفی هم نداشته است و تبرعاً آن را انجام داده است نیز ساقط می‌شود.

عدم اختصاص این تکلیف به پدر و مادر

آخرین نکته‌ای هم که در اینجا قابل ذکر است این است که این بحث اختصاص به پدر و مادر ندارد بلکه دامنه شمول این تکلیف خانواده می‌باشد و اطلاق ادله مانند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» / التحريم / ۶ هم



شامل پدر و مادر می‌شود و هم شامل دیگر اعضای خانواده مانند فرزندان که در مقابل پدر و مادر و یا در مقابل برادر و خواهر خود و یا دیگر اعضای فامیل که جزء یک خانواده باشند نیز این نقش و تکلیف را دارند منتهی این تکلیف در مورد پدر و مادر مؤکد است پس این تکلیف به‌طور گسترده شامل همه اعضای یک خانواده می‌شود.

بررسی دیگر ادله در محل بحث

ادله‌ای که تاکنون در باب نقش پدر و مادر ذکر شد، آیات و همچنین روایات تأدیبه بود. آیات مرتبط با محل بحث به تفصیل ذکر شد. ادله دیگری هم وجود دارد که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

اولویت ادله حضانت و نفقه

دلیل دیگری که به آن بر وجود نقش و تکلیف آموزشی و تربیتی برای خانواده استدلال شده است، اولویت ادله حضانت و نفقه می‌باشد. بدون تردید یکی از وظایفی که بر عهده پدر و مادر وجود دارد، حضانت و نفقه است البته با تفاوت‌هایی که بین پدر و مادر وجود دارد. برای مادر حق حضانت و ولایت در مورد دختر تا هفت یا نه سال و در مورد پسر تا دو سال حق حضانت وجود دارد. بحث حضانت بحثی مفصل و خیلی مهم در مباحث تربیتی می‌باشد که نیاز به تتبع و غور کاملی دارد ولی آنچه مسلم است این است که یکی از وظایفی که پدر و مادر دارند، حضانت از فرزندان خود می‌باشد. همچنین یکی دیگر از وظایف پدر و جد پدری و احیاناً مادر، پرداخت نفقه فرزندان می‌باشد البته در مقابل این وظیفه برای فرزندان هم در قبال پدر و مادر وجود دارد. بحث نفقه در لباس، مسکن و غذا در حد متعارف می‌باشد. در تبیین این دلیل و استدلال دو بیان وجود دارد.

۱. بیان اول این است که پدر و مادر اگر در قبال فرزندان خود در مورد غذا و مسکن و لباس مسئولیت دارند مگر می‌شود گفت که در قبال فراگیری معارف دینی و علوم و دانش‌هایی که در آینده مورد نیاز فرزندان هست، مسئولیتی ندارند. به عبارت دیگر و به‌روز، وقتی پدر و مادر در مسائل سخت‌افزاری دارای مسئولیت می‌باشند در مقابل امور فکری، روحی، دانشی و ذهنی به‌طریق اولی دارای مسئولیت می‌باشند حتی اگر آیات و روایات بر وجود این مسئولیت دلالتی نداشت.

۲. بیان دیگر در تبیین این دلیل و استدلال، تنقیح مناط و الغاء خصوصیت از ادله حضانت و نفقه می‌باشد نه اینکه اولویتی وجود داشته باشد



در هر صورت چه با تأکید بر دلیل اولویت ادله حضانت و نفقه و یا حداقل به واسطه تنقیح مناط ادله دال بر حضانت و نفقه بر وجود مسئولیت و وظیفه آموزشی و تربیتی برای پدر و مادر در قبال فرزندان دلالت می‌کنند. یکی از تفاوت‌هایی که بین نفقه و حضانت وجود دارد این است که نفقه فقط تکلیف است اما حضانت هم حق است و هم تکلیف و دیگری نمی‌تواند در آن ایجاد مزاحمت کند مگر در شرایط خاص. آنچه این بحث و استدلال را تقویت می‌کند و شاهدهی بر آن می‌باشد، این است که مباحثی در ادله حضانت وجود دارد مانند نداشتن حق حضانت برای مادر کافر و یا مجنون که نشان می‌دهد در خود این ادله هم توجهی به ابعاد اخلاقی و تربیتی وجود دارد.

اشکال: عدم ثبوت اولویت و تنقیح مناط

ممکن به ادعای اولویت و یا تنقیح مناط این‌گونه اشکال شود مباحث جسمی و تغذیه‌ای و مسکن و لباس از امور اولیه و پایه زندگی یک شخص می‌باشد و از آنجاکه اتصال و ارتباط این امور به پدر و مادر خیلی نزدیک است، وظیفه خاصی بر عهده آن‌ها نهاده شده است و مورد تأکید خاص قرار گرفته است اما نسبت به سایر امور تکلیف عامی وجود دارد و همه در قبال آن مسئولیت دارند و پدر و مادر هم در حوزه این تکلیف قرار دارند و این‌گونه نیست که از ادله حضانت و نفقه استفاده اولویت و یا تنقیح مناط در مسائل آموزشی و تربیتی شود بلکه چون اتصال و ارتباط امور پایه‌ای و اولیه زندگی با پدر و مادر نزدیک است این وظیفه مورد تأکید خاص قرار گرفته است و ادله حضانت و نفقه بیش از این دلالتی ندارند و نمی‌توان از آن‌ها اولویت و یا تنقیح مناط استفاده کرد. البته به نظر ما استفاده این اولویت بعید نیست و احتمال آن وجود دارد و این اشکال تام نمی‌باشد البته نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که فرض این استدلال و دلیل این است که آیه و روایتی در این مورد وجود ندارد و در این صورت ممکن است گفته شود چطور ممکن است در یک مسئله‌ای به این مهمی که ادعای اولویت و تنقیح مناط آن شده است و مورد ابتلا می‌باشد، آیه و روایتی وجود ندارد ولی در مورد حضانت و نفقه آیات و روایات زیادی وجود دارد که در این صورت و با قطع نظر از آیات و روایات این اولویت تام به نظر نمی‌رسد و در صورتی هم که آیه و روایتی در این مورد وجود داشته باشد که به آن‌ها اشاره کردیم در این صورت نیازی به این دلیل وجود ندارد پس این استدلال تام نیست آری این استدلال می‌تواند در حد یک مؤید باشد نه یک دلیل و این نکته بیان نهایی ما در اینجا می‌باشد که اگر هیچ آیه و روایتی در باب تکلیف آموزشی و تربیتی وجود نداشت ممکن بود بگوییم اسلام بر این پایه زندگی کودکان تأکید دارد که مثلاً تا سنی آزاد باشد و هر طور می‌خواهد رشد کند و بعد از آن یک تکلیف



عمومی و اجتماعی وجود دارد که پدر و مادر هم می‌توانند در قلمرو آن تکلیف عمومی نقش خود را ایفا کنند اما تکلیف خاصی بر عهده آن‌ها گذاشته نشده است همان‌طور که نظریات و تئوری‌های غربی امروز در باب تربیت دینی همین‌گونه است که می‌گویند خانواده و یا مدرسه نه تنها وظیفه ندارد بلکه حق ندارد کودکان را تربیت دینی کند بلکه منحصراً فقط باید به آن‌ها عرضه اطلاعات ادیان مختلف به آن‌ها شود و عرضه انحصاری ادیان و اطلاعات به آن‌ها ممنوع می‌باشد ولی در مورد بهداشت و تغذیه و از این قبیل مسائل، یکی از وظایف خانواده را تأمین این مسائل می‌دانند که اگر منطق و دید کلی اسلام به این مسئله را نمی‌دانستیم و آیات و روایات در این زمینه نبود ادعای اولویت ادله حضانت و نفقه تام نبود اما با توجه به مناسبات حکم و موضوع و فضا و فرهنگ تربیت دینی در منطق اسلام و از آنجا آیات و روایاتی در این زمینه وجود این اولویت و تنقیح مناط قابل قبول است اما در هر صورت تنها یک مؤید است نه یک دلیل چون با وجود روایات نیازی به این دلیل وجود ندارد و مستقلاً نمی‌تواند دلیل باشد.

شمول مفهوم حضانت نسبت به مسائل آموزشی

بیان سومی هم از این استدلال وجود دارد و آن این است که خود مفهوم حضانت، مراقبت و صیانت همان‌طور که شامل مسائلی مانند بهداشت و درمان می‌شود، شامل آموزش‌ها و تربیت‌های لازم برای رشد و زندگی نیز می‌شود نه اینکه از باب اولویت و تنقیح مناط شامل آن‌ها بشود. پس سه بیان از دلیل فوق وجود دارد بیان اول اولویت ادله حضانت و نفقه بود، بیان دوم تنقیح مناط از ادله حضانت و نفقه بود و بیان سوم شمول مفهومی حضانت نسبت به مسائل آموزشی و تربیتی می‌باشد. به نظر ما این بیان سوم تا حدی بعید نیست و حد آن نیز آموزش‌ها و تربیت‌های لازمی است که مرتبط به رشد جسمی و ذهنی در حد معمول و مخصوص دنیای امروز و مهارت‌های لازم زندگی مانند اینکه چگونه از خیابان عبور کنند و همچنین ادب و آداب اجتماعی که لازمه تعاملات اجتماعی است، می‌باشد اما آموزش‌ها و تربیت‌های خاص دینی و معنوی مانند نماز و روزه را شاید شامل نشود و وجوب آموزش این امور نیاز به ادله دیگری دارد که ادله فراوانی نیز در این زمینه وجود دارد.



شماره ثبت: ۱۶۹۹
